توحید
و کفر به طاغوت

نویسنده:
ابو عبد اللّٰه سلفی

مکتبة الموحدین

توحید
و کفر به طاغوت

به قلم:

ابو عبدالله سلفی

موسسه مکتبة الموحدین

ذوالحجه ۱۴۳۷ هـ / سبتامبر ۲۰۱۶ مـ

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله و الصلاة و السلام علی رسول الله و علی آله و صحبه و من والاه، اما بعد؛

چه زیباست که هنگامی بنده و شخص مومن از توحید سخن میگوید و ایمان خود را با آن تجدید کند و چرا برای بنده زیبا نباشد وقتی کل دعوت انبیاء و هدف اصل و اساسی آنان توحید و یکتاپرستی و دور کردن مردمان از عبادت و بردگی بندگان به عبادت و بندگی در آوردن الله متعال بود، چنانکه الله متعال میفرماید: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾ [النحل_۳۶]

«و در هر امت و گروهی پیامبری فرستادیم تا اینکه [بگویند] الله را عبادت کنید و از طواغیت بدور باشید و اجتناب ورزید».

و این آیه بیانگر خلاصه دعوت انبیاء را به تصویر میکشد و آن بر دو محور است و بس، یکی از آن عبادت الله متعال است به یکتایی و دیگری کفر به طاغوت.

که هر مسلمانی به معنی واقعی به این دو امر معتنق گشت شایسته است او را مومن و مسلمان کامل العقیده بنامیم

و چه زیباست که شخص مسلمان بخاطر همین توحید و کفر به طاغوت غریب است! یکی را میبینی که بخاطر آن از قوم و قبیله خود طرد میشود و دیگری را میبینی که بخاطر آن به زندان برده میشود و یکی را میبینی که بخاطر آن اعدام و تحت شکنجه قرار میگیرد و یکی را میبینی خانه و کاشانه خود را رها نموده است و در راستای زنده نگه داشتن این کلمه مبارک و احیای دین الهی در سرما و گرما با پای لخت و پوشیده دست به سلاح میبرد و با دشمنان دین میجنگد که از سنت الهی است.

چنانکه الله متعال میفرماید: ﴿وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا﴾ [الأنعام_١١٢]

«و این چنین برای هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جن قرار دادیم، که سخنان فریبنده و بی اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر القاء می کردند».

و وقتی برای انبیاء چنین دشمنان شیطان صفت گماشته شده بود آنهم برای آن بندگان نجیب الله متعال شایسته تر است که برای پیروان انبیاء این دشمنان دو برابر باشند و قطعاً شخص موحد بداند تا لحظه ایی که به ملاقات الله متعال میرود این سختی ها تمامی ندارد و طمع استراحت را نکند بلکه این راه با سختی و مشقات مفروش گشته است و اگر کسی میخواهد بداند سیرت کل انبیاء و پیامبر اکرم ﷺ و اصحاب پاکش بهترین دلیل است که از خورشید ظاهرتر است و هر شخصی آنرا مطالعه کند میگوید که من برای دین اسلام که کاری نکرده ام و از همه آنان شدیدتر پیامبر اکرم ﷺ که چه آزارها و سختی ها که تحمل نکردند چنانکه در روایت امام احمد بروایت انس بن مالک رضی الله عنه می آید که رسول الله ﷺ فرمودند: «لَقَدْ أُخِفْتُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَمَا يَخَافُ أَحَدٌ وَلَقَدْ أُوذِيتُ فِي اللَّهِ وَمَا يُؤْذَى أَحَدٌ وَلَقَدْ أَتَتْ عَلَيَّ ثَلَاثُونَ مِنْ بَيْنِ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ وَمَا لِي وَلَا لِبِلَالٍ طَعَامٌ يَأْكُلُهُ ذُو كَبِدٍ إِلَّا شَيْءٌ يُوَارِيهِ إِبِطُ بِلَالٍ».

«آنقدر بخاطر الله عزو جل اذیت شدم که شخصی دیگر اذیت نگشت و آنقدر بخاطر الله ترسانده شدم که هیچ شخصی ترسانده نشد و بر من سی شبانه روز میگذشت و برای من و بلال غذایی یافت نمیشد که آنرا صاحب جگری بخورد (مراد یک انسان زنده) مگر آنچه که بلال در زیر بغل خود میگرفت (خرما و یا کاسه شیری اگر یافت میشد)».

سبحان الله! توحید و ایمان لذت و حلاوتی دارد که اگر شخص آنرا درک نماید بر راهش مصمم تر است و اگر آنرا حاصل ننمود چنین شخصی بر حال خود بگیرد افضل تر است برای همین است که

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله فرمودند: «در دنیا جنتی است که اگر شخص داخل آن نرود در جنت آخرت داخل نمیشود».

مراد از کلام شیخ همان ایمان و توحید و حلاوتش است که برای شخص مومن از لوازم قطعی و بدیهی است.

و دلایل اینکه ایمان حلاوت میگیرد این حدیث است: «ثَلاَثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ وَجَدَ حَلاَوَةَ الإِيمَانِ: أَنْ يَكُونَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَبَّ إِلَيْهِ مِمَّا سِوَاهُمَا، وَأَنْ يُحِبَّ المَرْءَ لاَ يُحِبُّهُ إِلَّا لِلَّهِ، وَأَنْ يَكْرَهَ أَنْ يَعُودَ فِي الكُفْرِ كَمَا يَكْرَهُ أَنْ يُقْذَفَ فِي النَّارِ». [متفق علیه]

«سه چیز هستند که در شخصی بیایند حلاوت ایمان را چشیده است؛ اینکه الله و رسولش نزد وی از همه محبوبتر باشند [محبت الله و رسول مستلزم اطاعت اوامرشان است] و اینکه شخص را دوست نداشته باشد مگر فقط برای الله متعال و اینکه ناپسند بداند از اینکه به کفر [و جاهلیت و بدعت و خرافات برود] بعد از آنکه الله متعال وی را از آن نجات داد».

و توحید سبب تحقیق اساس عدل و عدالت و اصل آن است و بزرگترین ظلم شرک است چنانکه الله متعال میفرماید: ﴿إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾

«همانا شرک بزرگترین ظلم است».

و تنها راه دخول جنت توحید است و بس. پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میفرماید: «مَنْ لَقِيَ اللَّهَ لاَ يُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا دَخَلَ الجَنَّةَ». [رواه البخاری]

«هرشخصی الله را طوری ملاقات کند که با او چیزی را شریک نساخته است داخل جنت میشود».

و تنها راه نجات خون و مال انسان با توحید و کفر به طاغوت است، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم میفرماید: «مَنْ قَالَ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَكَفَرَ بِمَا يُعْبَدُ مِنْ دُونِ اللهِ، حَرُمَ مَالُهُ، وَدَمُهُ، وَحِسَابُهُ عَلَى اللهِ». [رواه مسلم]

«هر شخصی لا اله الا الله بگوید و به آنچه که غیر الله عبادت میشود کفر بورزد مال و خون وی [از تعرض نجات یافته است] و حسابش با الله متعال است».

و توحید و شرک دو چیز متضاد با هم هستند برای همین ازدواج یک زن مسلمان با یک رافضی و یا صوفی و یا هر چه از آن جنس باشد حرام است و همچنین بر عکس آن هم حرام است،

همانطور که الله متعال میفرماید: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا﴾

«و با زنان مشرک نکاح نکنید تا اینکه ایمان بیاورند و یک کنیز مسلمان بهتر از یک مشرک است و اگر چه [حسن و زیبایی] آن مشرک دیگر شما را به تعجب می آورد و با مردان مشرک ازدواج نکنید تا اینکه ایمان بیاورند».

و بدانید که بزرگترین مصالح با توحید می آید و بزرگترین مفاسد جلوگیری از شرک و کفر به الله متعال است.

بسیاری از مردم گمان میکنند که توحید این است که فقط الله را یکتا بدانی و نماز بخوانی و روزه بگیری و ارکان اسلام را انجام دهی و ریش بزرگی بنهی و به امور و اصول دیگر توحید توجهی نمی کنند و این کاملاً اشتباه است، لازم است که توحید را به معنی کامل آن یاد بگیریم و آن این است که الله متعال را در ذات و صفات و توحید ربوبیت و الوهیت و اسماء و صفات یگانه بدانی که این خود شرح طویل میخواهد که بنا بر قلت وقت نمی توانم همه آنرا شرح دهم و به اختصار توضیحی داده میشود.

توحید ذات الهی: آنست که معتقد باشیم الله متعال در ذات و صفات خود یکتا است و شریکی ندارد و از زن و بچه و پدر و پسر و امثال آن پاک است و دلایل زیادی اینرا تایید میکند که بزرگترین آن سوره توحید است: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ۞ اللَّهُ الصَّمَدُ ۞ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ ۞ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾

و **توحید ربوبیت این است:** که الله متعال را در افعالش یگانه بدانیم یعنی او تنها مدبر کائنات و متصرف در امور هستی است که با حکمت و علمش با آنان برخورد میکند و خالق و مالک و رازق مخلوقات تنها اوست و از غنی و شریک و نظیر و اعوان در امورش پاک است و شرک در ربوبیت الله متعال آن است که با الله متعال در این صفات مختص وی کسی را شریک قرار دهی همچون مشرکین کنونی از جنس روافض بهائم و دیگر مشرکین قبوریین و کسانی که در این باب با الله شریک قرار میدهند از جنس مشرکین قدیم اخبث تر اند زیرا آنان توحید الله متعال در ربوبیت را قبول داشتند و مشرکین این زمان بر خلاف آنان و دچار شرک غلیظ تر اند! آن مشرکین وقتی در امواج دریا قرار میگرفتند الله متعال را به یگانگی فریاد میخواندند و این مشرکین در دریا و هنگام سقوط هواپیما هم باشد علی و ابوالفضل و مهدی و عبدالقادر و فلان مرده را صدا میزنند!

لهذا با قبول داشتن مجرد توحید ربوبیت کسی در اسلام نمی آید

و **اما توحید الوهیت:** و آن یگانه قرار دادن الله متعال در عبادت است و اعتقاد به اینکه الله متعال تنها ذات مستحق برای عبادت بوده و است که همه ذل و عبودیت شایسته اوست و هر معبودی بجز وی باطل است و کل جدال انبیاء با مشرکین غالباً بر همین بوده است تا به این روز من و شما چنانکه الله متعال میفرماید: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾ [انبیاء_۲۵]

«و قبل از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر اینکه به آنان وحی کرده ایم هیچ الهی جز من نیست و مرا عبادت کنید».

و هدف خلقت انس و جن بر همین مبنا بوده است، الله تعالی میفرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [ذاریات_۵۶]

«و انس و جن را خلق نکردم مگر اینکه مرا عبادت کنند».

و دلایل بر این توحید الوهیت زیاد است لهذا انسان بر این توحید بسیار تلاش کند تا آنرا نقض نکند زیرا انسان در این توحید الوهیت و بقیه آن ممکن است با قول و فعل و اعتقاد و ترک آن ناقضی انجام دهد که شرحش اینجا نمی گنجد بیان شود.

و **توحید دیگری داریم که آنرا توحید اسماء و صفات گویند** و ایمان به آن واجب است و محورش بر دو اصل میچرخد:

اصل اول: ایمان آوردن به اینکه هر آنچه شایسته ذات الله متعال نیست آنرا رد کنیم و یا چیزی را که از خود نفی کرده آنرا نفی میکنیم و یا اینکه اگر پیامبر اکرم ﷺ از ذات پاک الله متعال نفی کرده است را رد نماییم و وقتی آنرا نفی کردیم در کنارش صفتی از صفات کمالش را بیان کنیم زیرا نفی تنها خود عیب است و الله متعال از آن بری و پاک است مانند اینکه وقتی میگوییم الله متعال ظالم نیست در کنارش بیان داریم که عادلترین ذات الله متعال است و حق کل صاحب حقی را اداء میکند.

و **اصل دوم اینکه:** آنچه را که الله متعال برای خود از اسماء و صفات بیان نموده است را اثبات کنیم بدون هیچ گونه تمثیلی و تشبیه و نه تاویلی نه همانند جهمیه منکر اسماء و صفاتیم و نه همانند مشبهه ذات و صفات الله را همچون مخلوقین میدانیم و از آیات و صفات میگذریم همانگونه که از سلف آمده است: "أمروها كما جاءت" نه از این فرقه ایم و نه از آن دیگر بلکه معتدل ترین آنانیم.

و به همه صفات ذاتی و فعلی الله متعال ایمان داریم همانند صورت و دست و استواء علی العرش و نزول الله بر آسمان دنیا هر شب و نزول بر آسمان اول در روز عرفه در صحراء عرفات و همه اسماء و صفات جل و علی سبحانه و تعالی، الله متعال میفرماید: ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ [الأعراف_١٨٠]

«و برای خدا, نامهای نیک است, پس به آن (نامها) اورا بخوانید, و کسانی را که در نامهایش تحریف (وکجروی) می کنند, رها کنید, بزودی آنها کیفر آنچه را می کردند, خواهند دهد».

و میفرماید: ﴿لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ﴾ [الشوری_۱۱]

«بمانند او [ذات الله] چیزی نیست و او شنوا و بیناست».

تا اینجا بصورت خلاصه مجمل از تعریف توحید و اقسامش که از ادله قرآن و سنت اخذ شده است بیان کردیم و از آنجا که توحید و کفر به طاغوت دو اصل لا ینفک از خود هستند و از قواعد و اصول ایمان و توحید به شمار می آیند لازم بود در کنارش کفر به طاغوت را هم بیان کنیم تا خواننده از نفع به انفع برسد باذن الله تعالی و با آن در دشمنی طواغیت با عزمی آهنین بر خورد نماید.

این مسئله ی کفر به طاغوت یکی از ارکان ایمان است و نه از شروطش و اکثر مردم از آن غافلند، وقتی از شخصی میپرسی: طاغوت چیست؟ میگوید: مراد بت ها هستند میگویی: همین و بس؟!! میگوید: شیطان هم است اگر اشتباه نکنم!

و متاسفانه این یک معزل است که باید علاج شود زیرا وقتی دعوت کل انبیاء بر توحید و کفر به طاغوت بناء گشته بود نا جایز است از آن گذرا رد شویم و متاسفانه امروز در مدارس فقه، طهارت و حیض و نفاس بر مذهب شافعی و حنفی و غیر ذالک خوب تدریس میشود و نوبت که به توحید میرسد کسی را میبینی باکی نیست بلکه بر عکس دروازه موالات با طواغیت باز است و یا امامان مساجد یک روز نمانده است به انتخابات کفری صندوقها را به مساجد الله و مدارس میبرند و مردم را به آن دعوت میدهند که اینرا به عنوان مثال بیان نمودم آیا از چنین افرادی توقع داشته باشیم تا داعیان و ناصران توحید باشند؟!! و لا حول و لا قوة الا بالله

ارکان کلمه توحید بر دو چیز بنا گشته است: یکی بر نفی و دیگری بر اثبات

و نفی همان عدم نفی کردن الوهیت برای غیر الله متعال است که همان کفر به طاغوت نام گذاری میشود الله متعال میفرماید: ﴿فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى لَا انْفِصَامَ لَهَا﴾ [البقرة_۲۵۶]

«پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد،پس به راستی که به دستگیره محکمی چنگ زده است، که آن را گسستن نیست، و خداوند شنوای داناست».

و توحید شخص تکمیل نمیشود مگر با کفر به طاغوت نمودن و نفی کردن کل آلهه باطل از الله متعال و سوال این است: **طاغوت چیست؟**

طاغوت بر وزن فعلوت از طغیان گرفته شده است یعنی زیاده روی از حد چیزی و امام ابن قیم رحمه الله آنرا این گونه بیان میکند: «**کل ما تجاوز به العبد حده من معبود او متبوع او مطاع**».

«هر آنچه را که بنده حد خودش را از آن بگذراند آن طاغوت است چه معبود باشد و چه متبوع باشد و چه مطاع».

یعنی به نوعی طواغیت در این سه نوع جمع میشوند:

- **معبود:** مانند آنچه که بغیر الله عبادت می شود مانند قبرها و بت ها و مشایخ روافض و صوفیه که برای آنان سجده و تعظیم صورت میگیرد.
- **متبوع:** مانند پیروی کردن از علمای سوء که حلال الله را تحریم و حرام او را تحلیل میکنند و به پیروی حکام مجرم و مرتد که به خلاف حکم الله و رسولش حکم میکنند دعوت میدهند، نمونه بارز مانند علماء درباری آل سلول که به نصرت آل سلول و بیعت آنان دعوت میدهند و یا مانند ملاهای درباری ایران که به نصرت و تصدیق حکومت رافضی ایران مردم را تشویق و ترغیب میکنند و یکی از آنان میگفت: حکومت ایران را بر دیگر حکومتها ترجیح میدهیم!!!

الله المستعان اللهم نجنا من الضلالة

- **مطاع:** طاغوت اطاعت شونده، مانند: امراء گمراهی که بغیر ما أنزل الله حکم می کنند و یا دادگاهای شرکی و دستورهای وضعی کفار که در دادگاه ها حکم میکنند و یا مانند سفید ریشان قبایل که با آداب و رسوم و تقالید قومی حکم میکنند و قرآن و سنت را زیر پامینهند.

و طواغیت امروزه زیاد یافته میشود اما روساء آنرا امام محمد بن عبد الوهاب رحمه الله پنج عدد معرفی میکند:

- **شیطان که به عبادت غیر الله دعوت میدهد.**
- **کسی که مردم را به عبادت خود دعوت دهد.**
- **کسی که عبادت شود و راضی و خرسند است به آن.**
- **کسی که ادعای علم غیب کند همچون کاهنان و ساحران.**
- **کسی که به غیر آنچه الله نازل کرده حکم کند.**

[و در این مورد آخر، قاضیان دادگاه طاغوتی و اعضای جلسات تشریعی و اعضای پارلمانهای طاغوتی و روساء قبایل که با احکام جاهلیت حکم میکنند و حاکمان طواغیت منطقه شامل میشوند و کسانی که آنان را با قول یا عمل تایید و یا تصدیق میکنند؛ کافر و مرتد محسوب میشوند]

و از طواغیت معاصر به دموکراسی و بعثیت و قومیت و وطنیت میتوانم اشاره کنم.

و از آنجا که الله متعال دستور به کفر به طاغوت داده است باید صفت چگونگی کفر به آنرا یاد بگیریم همانگونه که امام محمد بن عبدالوهاب رحمه الله فرموده است: «طواغیت را باید تکفیر کنیم و آنان و جلساتشان را ترک کنیم و با آنان بغض داشته باشیم و کسانی که مناصر و دوست دارنده و اهل این طواغیت هستند را هم تکفیر کنیم و با آنان دشمنی ورزیم».

هر شخصی به این اموری که بیان شد ایمان دارد و یا تایید میکند مرتد گشته است زیرا به طاغوت ایمان آورده است و لو اگر نماز میخواند و روزه میگیرد و گمان میبرد که از زمره مسلمانان است و این را هم به صورت خلاصه یاد آوری کنم که انتخابات کنونی در بلاد طواغیت و یا رفتن به سربازی و تجنید به هر اسمی که باشد اینها کفر اکبر هستند و مسلمانان خود و فرزندان خود را از آن نجات دهند و بخاطر ترس تنها و یا بخاطر مدرک دنیوی و یا مشاغل و اصلاح امور اداری دین خود را به دنیا نفروشند که خسر الدنیا و الاخره میشوند و بلکه بر عکس به این اموری که یاد آوری شد بر من و شما لازم است به آن کفر کنیم نه اینکه به سوی آن پیش قدم باشیم و به حرف علماء سوء توجه نکنید که شما را روانه جهنم میکنند آن مفتیانی که هیچ فتوایی نمی دهند مگر با اجازه ولی امر فاسدشان و یا تائیدیه از بیت رهبری روافض ایران.

و این مختصری بود از امور توحید و شناخت طواغیت که هیچ مسلمان واقعی از بیان و تعلیم آن مستغنی و بی نیاز نمیباشد و در اینجا به حسب مکان به طور خلاصه بیان شد و الا لازم است بیشتر تحقیق و تفحص کنید تا کاملاً روشن و آگاه شوید.

وصلی الله وسلم و بارک علی عبده و رسوله نبینا محمد و علی آله و صحبه اجمعین.